

خدمات متقابل اسلام و ایران

واژه های مهم

پرتو: روشنایی، نور	متقابل: دو سویه
گرایش: میل، علاقه	متعلق: وابسته
لیاقت: شایستگی	مانع: بازدارنده
مقتدا: رهبر، پیشوا	تکلم: سخن گفتن
توسعه: پیشرفت	آیین: روش
مورخ: تاریخ نویس	سهم: قسمت
ادیب: شاعر، سخندان	ذوق: علاقه، استعداد
فیلسوف: دانشمند علم فلسفه	ارزنده: با ارزش
شایان: شایسته	ظهور: پیدایش
اقلیت: گروه کم	بلند آوازه: مشهور
مظاهر: جمع مظهر، نشانه ها	ملل: جمع ملت
جامه: لباس	أدبا: جمع ادیب، سخندان ها
	عُرفا: جمع عارف، خداشناسان

🌟 سلمانٌ منّا اهل البیت: سلمان از ما اهل بیت است.

دانش زبانی: ضمیر

ضمیر کلمه ای است که به جای اسم در جمله می آید تا از تکرار آن جلوگیری کند. ضمیرها دو دسته هستند:

ضمیر جدا: ضمیری هستند که به تنهایی و به صورت مستقل و جدا به کار می روند و به هیچ کلمه ای نمی چسبند.

ضمایر جدا عبارتند از:

مفرد	جمع
من	ما
تو	شما
او	آنها

ضمیر پیوسته: ضمیری هستند که مستقل و جدا نیستند و به واژه های دیگر می چسبند.

ضمایر پیوسته عبارتند از:

مفرد	جمع
مَ	مَان
تَ	تَان
شَ	شَان

مثال:

- { من: ضمیر جدا / مَ: ضمیر پیوسته } من کتابم را خواندم.
- { تو: ضمیر جدا / تَ: ضمیر پیوسته } تو کتابت را خواندی.
- { او: ضمیر جدا / شَ: ضمیر پیوسته } او کتابش را خواند.
- { ما: ضمیر جدا / مَان: ضمیر پیوسته } ما کتابمان را خواندیم.
- { شما: ضمیر جدا / تَان: ضمیر پیوسته } شما کتابتان را خواندید.
- { آنها: ضمیر جدا / شَان: ضمیر پیوسته } آنها کتابشان را خواندند.

مرجع ضمیر

کلمه ای است که ضمیر به آن بر می‌گردد. مرجع ضمیر در واقع، صاحب ضمیر است.

مثال ۱:

زهره را دختر خوبی است. او بسیار منظم است.

« او: ضمیر جدا » « چه کسی بسیار منظم است؟: زهره. پس زهره، مرجع ضمیر است. »

مثال ۲:

معلم وارد کلاس شد و دفترش را روی میز گذاشت.

« ش: ضمیر پیوسته » « چه کسی دفترش را روی میز گذاشت؟: معلم. پس معلم، مرجع ضمیر است. »

مثال ۳:

طاووس، پرنده ی زیبایی است و پرهایش رنگارنگ است.

« ش: ضمیر پیوسته » « چه کسی پرهایش رنگارنگ است؟: طاووس. پس طاووس، مرجع ضمیر است. »